

روز جهانی زن گرامی باد

هشتم مارچ روز جهانی زن است. در این روز تمامی زنان مبارز و مردان حامی مبارزات آنان آماده میشوند تا یکبار دیگر خواست رهایی و آزادی از ستم را فریاد کنند، تجارب نوین و دست آورد های جدید مبارزاتی خود را مطرح کنند و رشته های پیوند و اتحاد محکمتر خویش را به نمایش بگذارند. در این روز تاریخی باید اندیشه و عمل انقلابی در میان استعمار شدگان و تحت ستم قرار گرفتگان سراسر جهان، بخصوص زنان زحمتکش و تحت ستم ترین انداز شود. هشتم مارچ روز مبارزه برای آزادی و رهایی زنان در سراسر جهان است.

در کشور اشغال شده افغانستان، اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی حامد کرزی این شاه شجاع سوم برای اینکه پرده فریبی بر روی اشغالگری و خیانت ملی شان کشیده باشند، به پیشواز برگزاری روز جهانی زن میروند، این یک حرکت آگاهانه برای خنثی کردن و از محتوا تهی کردن این روز مبارزاتی میباشد تا بتوانند آنرا مهار کنند و تحت کنترل خود بگیرند. باید به تمامی مردمان آزاده این سرزمین، خصوصاً زنان ستمدیده افغانستان واضح ساخت که این روز یک روز بیاد ماندنی در تاریخ مبارزات زنان جهان است و آنطوری که اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی دست نشانده مطرح میکنند و آنرا برگزار مینمایند نیست. هشت مارچ روزی است که باید زنان با برگزاری آن، به رسمیت شناساندن هویت اجتماعی و انسانی خویش را جستجو کنند، واقیعی که در نظامهای طبقاتی مردسالار برای قرنهای نادیده گرفته شده و کماکان نادیده گرفته می شود. رهایی و آزادی زنان تحفه ای نیست که اشغالگران و دست نشانندگان شان به زنان پیشکش کنند، آنهم در بدل قربانی کردن استقلال و آزادی ملی کشور و مردمان کشور و به گردن نهادن زنجیر انقیاد ملی. رهایی و آزادی زنان با مبارزه طولانی و سخت خود زنان و حمایت مردان آزادیخواه از مبارزات آنان به کف می آید. در شرایط کنونی افغانستان، مبارزه زنان بخاطر رهایی و آزادی عمدتاً بخشی از کل مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان بوده و تابع منافع عمومی آن است.

اعمال ستم بر زنان بخش لاینجزائی از کل نظام ستمگرانه حاکم بر جامعه بوده و در پیوند با استعمار طبقاتی و همچنان در یک رابطه تنگاتنگ با ستم ملی (اعم از ستم ملی امپریالیستی و ستم ملی شونیستی) قرار دارد. از اینرو زنان مبارز نمی توانند مبارزات شان را محدود و منحصر به مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده - علیرغم عمده بودن آن در شرایط کنونی - بنمایند. این مبارزات به مثابه مبارزات همه جانبه تمامی عرصه های جامعه، از محیط کوچک خانواده تا سطوح وسیع جامعه، را در بر می گیرد. در شرایط کنونی، به ویژه مبارزه جدی و قاطع علیه آن بینش و خط ارتجاعی زن ستیز از اهمیت بزرگی برخوردار است که حق خواهی زنان و مبارزات بر حق آنان را "مارک امریکائی" می زند و مخالفت و مقاومت علیه اشغالگران را مترادف و مساوی با انکار حقوق زنان و نفی مبارزات حق طلبانه آنان می داند. اینچنین بینش و خط ارتجاعی که امروز عمدتاً طالبان در حال جنگ با قوای خارجی و رژیم پوشالی عامل و حامل آن هستند، صرفاً بر خاسته از مواقف و منافع فئودالی بومی نمی باشد، بلکه دو مرجع و منبع بین المللی و خارجی نیز دارد. روشن است که مرجع و منبع جهانی آن همانا امپریالیسم جهانی است. رژیم طالبان توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین امپریالیست و دنباله روان ارتجاعی آنها ساخته و پرداخته شد و بر مردمان افغانستان تحمیل گردید. این موضوع را نباید در شرایط امروز، و همچنان در شرایط آینده، به فراموشی سپرد. مرجع و منبع خارجی دوم بینش و خط ارتجاعی طالبان، پان اسلامیزم ارتجاعی تقویت کننده آنان است که مبارزه و مقاومت علیه کارزار بین المللی جنگی امپریالیست های امریکائی و متحدین شان را با ترجمه و تفسیر شدیداً ارتجاعی و واپسگرایانه می آلاینند. این مرجع و منبع خارجی نیز به نوبه خود توسط قدرت های امپریالیستی سازماندهی و تقویت گردیده و صرفاً بر خاسته از شرایط درونی کشور های اسلامی نیست.

از لحاظ بین المللی با براه افتادن گلوبالیزسیون سرمایه داری و هجوم وسیع سرمایه از کشور های امپریالیستی به کشورهای عقب مانده، بخشهای بزرگی از زنان از خانه بیرون کشیده شده و درگیر کار و تحصیل گشته اند. در عین حال، زنان همچنان در سطح کل جامعه بشری موقعیت درجه دوم داشته و اسیر نظام مردسالار بوده هستند. این تناقض، مسئله زن را در سراسر جهان حادث کرده است. زنان جهان در چنگ نظام های پدرسالار - مردسالار (هم ارتجاعی و فئودالی و هم "مدرن" و امپریالیستی) که از آنان تبعیت و خدمت می خواهند، در اسارت، جان می دهند. در جهان کنونی در مقابل زنان دو بدیل می گذارند: به اصطلاح رهایی امپریالیستی یا سنت خفقان آور فئودالی. آنان کدامیک را باید انتخاب کنند؟ هیچکدام را، زیرا که هر دوی این بدیل ارتجاعی با رهایی زنان هیچ وجه اشتراکی ندارند؛ اصلاً با منافع اساسی اکثریت مردم جهان، چه زن باشند و چه مرد، و وجه اشتراک ندارند.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان با تعهد استوار این شعار را سر میدهد که ما عزم راسخ داریم تا یک جنبش مقاومت ملی مردمی و انقلابی قدرتمند علیه تجاوز، تهاجم و اشغال آمریکا بسازیم. تجاوز و اشغال آمریکا امروز شامل افغانستان و عراق است و آنها نقشه می کشند که ایران یا کشورهای دیگر، بخصوص در شرق میانه و آسیای جنوبی، را نیز مورد تجاوز و اشغال قرار دهند. امپریالیسم آمریکا بطور افسار گسیخته بدنبال کنترل تمام جهان است. میلیون ها نفر در آمریکا و در سایر کشورهای جهان با این نقشه و برنامه های ارتجاعی که رژیم بوش می خواهد در جهان و در داخل آمریکا تحمیل کند مخالفت کرده اند. اما لازم است که سطح مخالفت و مقاومت بالا برده شود و ما مصممانه در حال انجام آن هستیم باید به این سطح از آگاهی رسید که تا دست اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده کنونی از سر مردمان ما کوتاه نگرند، آزادی زنان نیز میسر نخواهد بود. در شرایط کنونی، مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان، آن چوکات عمومی ای است که مبارزات حق طلبانه زنان علیه ستم مرد سالاری نیز عمدتاً در داخل آن پیش برده می شود. برین مبنا است که روز جهانی زن را گرامی می داریم و مبارزات زنان رزمنده را بطور روز افزونی شگوفان تر و پر بار تر می خواهیم و دست آورد های عظیمی برای آن آرزو می نمایم.

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی!

زنجیرها را بگسلیم! خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی برای انقلاب رها کنیم!

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

هشت مارچ ۲۰۰۷